

بررسی تأثیر حکمت اشراق بر تجلی عناصر زیبایی‌شناسی معماری مساجد دوره صفویه با روش پانوفسکی

چکیده

کاوش و یافتن عوامل مؤثر بر این جاودانگی بصری مسجد علاوه بر اینکه موجب شناخت عمیق‌تر بنا و جهت فکری سازندگان آن است، بلکه از استعارات و نشانه‌های به‌کار رفته در آن‌ها پرده برمی‌دارد و می‌تواند در خلق کیفیت متفاوت فضا و مکان‌هایی که در حال حاضر ساخته می‌شوند مؤثر باشد. مسجد به‌عنوان مکانی که قرار است موجبات تعالی روح آدمی و تقرب به خدا را فراهم آورد می‌بایست منطبق بر حکمت دینی، و به‌وجود آورنده تعلق فردی و اجتماعی در افراد یک جامعه باشد. در این مطالعه با استفاده از روش نشانه‌شناسی لایه‌ای پانوفسکی سعی در به تصویر کشیدن پیوند میان فلسفه و تعالی روح انسان با آثار معماری عصر صفویه به‌خصوص مساجد شده است. در روند مطالعه به تحلیل عناصر معماری مساجد امام و شیخ لطف‌الله و مقایسه تطبیقی با حکمت اشراق با روش پانوفسکی پرداخته شده است. چنین نتیجه گرفته شد که اصول بنیادین طراحی معماری مساجد صفوی در اصفهان براساس عرفان و حکمت و بستر فرهنگی آن دوره از جمله مهم‌ترین آن حکمت اشراق سه‌روردی به‌طور غیرمستقیم با ظرافت‌هایی هنرمندانه دیده می‌شود.

اهداف پژوهش:

۱. ارتقای کارآمدی هویت معنا و حس مکان در طراحی مساجد معاصر.
۲. نگرش مفهومی به معماری در جایگاه پاسخی به معضلات معماری معاصر به روش زیبایی‌شناسی پانوفسکی

سؤالات پژوهش:

۱. چه ارتباطی میان حکمت اشراق و تعالی معماری مساجد صفوی اصفهان می‌توان جست؟
۲. چگونه می‌توان از منظر بررسی حکمت و فلسفه برای معماری و معضلات معاصر آن چاره‌جویی کرد؟

کلیدواژه‌ها: حکمت اشراق، معماری مساجد، معماری و تعالی روح، سه‌روردی، روش پانوفسکی.

مقدمه

معماری صفویه به دلیل وجود حکمت و تجلی مفاهیم عمیق در معماری و توجه به بستر فکری و فرهنگی جامعه در ساخت مساجد، یکی از برترین دوران معماری ایران به شمار می‌رود. به نظر می‌رسد تعالی معماری مساجد صفوی ایران برگرفته از حکمت بوده و حکمت اشراق به عنوان اصلی‌ترین مرجع طراحی این مساجد، ساختار و فلسفه اصلی و بنیان نورتینیت و تقدس فضایی را پی‌ریزی کرده است. در معماری معاصر، تکنیک‌های رسیدن به تعادل، هندسه و هارمونی، با ابداع فرم‌های جدید امکان‌پذیر شده است اما به دلیل ناهمگونی فلسفه قرارگیری و سلسله‌مراتب و نیز الگوهای هندسی، گاه به تناقض‌هایی وحشتناک منجر شده است که اگر در زمان طراحی و ساخت گونه‌های معاصر، فلسفه و حکمت در نظر گرفته شود. بر مبنای اصول و سلسله‌مراتب و نیز روحيات و کاربری فضا و هماهنگی میان اجزای کل، این طرح‌ریزی انجام پذیرد، بیشترین مشکلات مرتفع خواهد شد. در ۸۰ سال اخیر، تقریباً مساجد با ارزشی به لحاظ معماری در ایران ساخته نشده است و آن معنویت فضا را که عنصر اصلی معماری مسجد یا هر معبد دینی دیگر است، در مساجد امروزی مشاهده نمی‌کنیم که این مسئله با توجه به ارتباط عمیق فضای فیزیکی مساجد با فضای روحی و معنوی این اماکن جایگاه معماری این دست‌ساخته‌های بشر را متزلزل می‌کند؛ چراکه ایده اصلی معماری ایجاد پل ارتباطی روح بشر و فضای فیزیکی‌ای که کالبد انسانی در آن حضور دارد می‌باشد و از نظر زیبایی‌شناسی یک امر مهم در معماری محسوب می‌شود و حتی می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین وظایف علم معماری تلقی می‌شود. بهترین نمونه‌های معماری مسجد را در ایران، از هزار تا ۱۵۰ سال پیش موجود است. مساجدی که به راستی نمونه‌های درخشان معماری زمان خود هستند، در مساجد سنتی نوعی القای حس معنویت و توجه دادن به ماوراء وجود دارد. این کیفیت در مساجد قدیمی در بالاترین حد خود بود؛ بنابراین اکنون می‌توان با استفاده از مصالح جدید و تکنیک‌ها و فناوری‌های جدید ساخت آن‌ها از سر گرفته شود، بدون اینکه درگیر کهن الگوهای ساختمانی دوران قدیم گردد. بحث در تئوری معماری و رابطه فلسفه و معماری، با تبیین تفاوت فلسفه و حکمت، تاکنون به جد و جهد در تاریخ هنر و معماری ما کم‌تر وجود داشته است و ما تاکنون ادبیات معماری را به شکلی که در غرب پیگیری شده مورد توجه قرار نداده‌ایم. جهان ما بدون نور سرمنشأ کائنات مفهوم و معنایی ندارد و اشیای گوناگون از یکدیگر جدا نمی‌شوند و تشخیص و تمایز پیدا نمی‌کنند.

معماری اسلامی در ایران تأکید خاصی بر نور داشته است. در داخل فضای مسجد گویی نور درون صور فیزیکی تبلور یافته است، چنانچه همواره آیه شریفه «الله نور السماوات و الارض» را به انسان مؤمن یادآوری می‌کند. نور در معماری ایرانی نه فقط به عنوان عنصری مادی بلکه همچون نمادی از عقل الهی و همچنین وجود است. نور جوهری معنوی است که به درون ماده نفوذ می‌کند و آن را تبدیل به صورتی شریف و شایسته می‌سازد که مناسب محل زندگی نفس آدمی است. حکمت اشراق به طور عمیق و دقیق در طراحی و ساختار اجزای مساجد عصر صفوی ایران به طور منطقی و هشیارانه‌ای به کار گرفته شده و علت تعالی معماری مساجد عصر صفویه در اصفهان و حتی شهرهای دیگر ایران، را می‌توان در این قضیه جست‌وجو کرد که با توجه به نمادهای مقدس و تعالی روح و معنویت در حکمت اشراق و تأکید سه‌رودی بر تجلی نور و ذات قدسی در مساجد، بوده است.

روش مطالعه مشاهده‌ای آینده‌نگر است که مبتنی بر اطلاعات موجود در بانک‌های اطلاعاتی علمی و انجام مصاحبه با متخصصان انجام شده است. این پژوهش دارای رویکرد موضوعی-زمانی است؛ به جهت آنکه روند تولید منابع علمی طی سری‌های زمانی مختلف برای خواننده مشخص باشد و همچنین کشف شکاف‌های علمی نهفته در موضوعات

چالشی این عرصه امکان‌پذیر باشد. در مطالعه انجام شده، از مقالات نمایه شده در پایگاه‌های اطلاعاتی پروکویست، اس.آی.دی، مگیران، آوید، ایرانداک، ایرانمدکس، ساینس سدایرکت، کورنس، اشپرینگر، گوگل اسکالر و اسکوپوس استفاده شد. مجموعه مقالات بررسی شده شامل ۱۴۱ مقاله بود که تحقیقات کیفی و کمی مربوط به ۱۰ سال اخیر را به زبان‌های فارسی و انگلیسی دربرداشت. پژوهش‌هایی که نمونه و نحوه اجرای نامشخصی داشتند از روند مطالعه حذف شدند. همچنین مقالاتی که متن کامل آن‌ها در دسترس نبود نیز از مطالعه حذف شدند. هدف از این مطالعه بررسی پیشینه موضوعی و زمانی و همچنین ارزیابی انتقادی تأثیر حکمت اشراق بر معماری دوره صفویه (مصادق مورد بررسی مساجد اصفهان) است. در روند تحقیق به سؤالاتی همچون «چه ارتباطی میان حکمت اشراق و تعالی معماری مساجد صفوی اصفهان می‌توان جست؟»، «چه ارتباطی میان کارآمدی معماری گذشته ایران (به‌خصوص در مساجد) با اصول جهان‌بینی و حکمی حاکم بر آن دوره وجود دارد؟» پاسخ خواهیم داد که این پاسخ حاصل نتیجه‌گیری محقق از بررسی کیفی منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با افراد متخصص در این زمینه و جمع‌بندی پیشینه تحقیق موضوع می‌باشد. مقاله پیش رو که روی ویژگی‌های معماری اسلامی به کار رفته در فرهنگ عصر صفوی به‌خصوص نمود تأثیرات مسلک روحانی در معماری مساجد تمرکز دارد و با استفاده از روش نشانه‌شناسی پانوفسکی سعی در شناسایی نشانه‌های تعالی روح موجود در آثار معماری دوران صفویه به‌خصوص مساجد دارد و در ادامه به تبیین چالش‌ها و بهبود چهارچوب معماری مساجد در زمان حال پرداخته شده و به تدریج به سمت پیشنهاد آخرین الگوهای معماری با توجه به پیشرفت تکنولوژی و تأثیر آن بر ابزار معماران معاصر پیش می‌رود.

نتیجه‌گیری

بازخوانی بصری بناهای به‌جا مانده از گذشتگان به جوهره معنوی آن‌ها نمونه‌ای است از خلق بناهایی که بدون اشاره به نام و نشان خالق آن، علایق فردی و تعلقات گروهی او به وجودی والاتر دلالت دارند و به معنای واقعی کلمه می‌توانند با مخاطب خویش ارتباط برقرار نمایند. ارتباطی که در معماری مربوط به مساجد اصفهان در دوران صفوی از آثار معماری ایران دریافت و مشاهده می‌نماییم، حاصل معنویت پنهانی است که معمار به‌طور ناخودآگاه در معماری خویش به‌جای گذاشته است. از آنجاکه در گذشته انسان‌ها به‌طور عمیق با اماکن در تعامل بوده‌اند و محیط برای آن‌ها دارای هویت بوده و حس تعلق به محیط به شکل قابل ملاحظه‌ای به چشم می‌خورد می‌توان گفت بشر امروز در جایگاه به اصطلاح بی‌جهان است و ارتباطش با جهان انتزاعی است. آنچه به رفع این چالش کمک می‌کند کشف دوباره جهان به‌عنوان کلیتی است که از کیفیت واقعی تشکیل شده است در این صورت است که انسان دوباره با محیط انس خواهد گرفت. هویت مکان با هویت انسان درهم آمیخته است و در زمانی که انسان واجد معنا و هویت باشد براساس اندیشه‌های ناب به مکان با هویت شکل می‌دهد. معمار می‌تواند با به‌هم پیوند دادن جنبه‌های درونی و بیرونی وجود خود به‌وسیله اثرش به کمال دست پیدا کند، شرط لازم برای چنین موفقیتی شناخت جنبه‌های درونی و بیرونی‌اش می‌باشد. بی‌تفاوتی به موضوعات عنوان شده از مهم‌ترین عوامل تهی‌شدن وجود و در نتیجه تجلی آن در آثار هنری از جمله معماری است.

فهرست منابع و مآخذ:

- استیرلن، هانری. (۱۳۷۷). اصفهان تصویر بهشت. مترجم: جمشید ارجمند، تهران: نشر فرزانه.
- اللهی، اردلان. (۱۳۸۰). حس وحدت. ترجمه: حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.
- ابوریان، محمدعلی. (۱۳۹۵). مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی. ترجمه: محمدعلی شیخ، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۹۳). شعاع اندیشه و شهود در فلسفه سهروردی. تهران: نشر حکمت.
- احمدی، مهدیه. (۲۰۰۹). «بررسی تأثیر فلسفه اسلامی بر معماری سنتی ایران؛ (با بررسی موردی معماری مسجد امام اصفهان)». تأملات فلسفی، ۲(۱)، ۹۳-۱۳۷.
- روشن، محبوبه و شیبانی، مهدی. (۱۳۹۹). «نشانه‌شناسی و معنایابی مفاهیم عرفان‌شناختی در معماری و شهرسازی با تلفیق «عرفان اسلامی و رمزگان امیر تو اکو»». موردپژوهی: معماری صفوی مکتب اصفهان.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۹۴). حکمت هنر اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- رهنورد، زهرا، محمد مددپور، تیتوس بورکهاث. (۱۳۸۸). سه رهیافت به حکمت هنر اسلامی، ترجمه: محمد آیتی، تهران: نشر سوره مهر.
- حکیمی، حسین؛ حسینی، غزاله. (۱۳۹۶). «زیبایی‌شناسی در معماری و شهرسازی ایرانی-اسلامی». کنفرانس پژوهش‌های معماری و شهرسازی اسلامی و تاریخی ایران، شیراز، دبیرخانه دایمی کنفرانس.
- سوزن‌گر، میترا و فریدونی، پگاه. (۱۳۹۳). «تجلی وحدت و کثرت در هنر اسلامی». اولین کنفرانس ملی مهندسی عمران و توسعه پایدار ایران.
- سهروردی، شهاب‌الدین یحیی. (۱۳۵۶). سه رساله از شیخ اشراق. ترجمه: نجفقلی حبیبی، تهران: مؤلف.
- شایگان، داریوش؛ کربن، هانری. (۱۳۷۱). آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی. ترجمه: باقر پرهام، تهران: انتشارات آگاه.
- طیبی، محسن؛ فاضل‌نسب، فهیمه. (۱۳۹۱). «بازشناسی نقش و تأثیر جریان‌های فکری عصر صفوی در شکل‌گیری ورودی مساجد مکتب اصفهان». هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، ۹۰-۸۱.
- نصری، امیر. (۱۳۹۱). «خوانش تصویر از دیدگاه اروین پانوفسکی». فصلنامه کیمیای هنر، شماره ۶، ۱۷-۱۰.
- هانری، کربن. (۱۳۹۰). روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان. ترجمه: عبدالمحمد روبخشان، تهران: نشر جامی، انتشارات اساطیر.
- هاتشتاین، مارکوس. (۱۳۹۱). اسلام، هنر و معماری. ترجمه: هرمز ریاحی، تهران: شر بیکان.
- Panofsky, E. (۱۹۵۵). Meaning in the visual arts, Papers in and on art history. New York: Doubleday.
- Bryman, A. (۲۰۰۱). Quantity and Quality in Social Research, London: Unwn Hyman.
- Marshall, C & Rossman, G. (۱۹۹۹). Designing Qualitative Research, Thousand Oaks: Sage.

Denzin N.K & Lincoln Y. S. (۱۹۹۴). Handbook of Qualitative Research. Thousand Oaks: Sage.

Meleod, J. (۲۰۰۲). Qualitative Research in Counseling and Psychotherapy, CA: Thousand Oaks. New Delhi. Sage.

Aliabadi, M. (۲۰۰۷). Hendese- ye javidan (ya hendese-ye asemani) dar memari- ye eslami [Eternal geometry (or geometry of heaven) in Islamic architecture]. Nashri- ye bein- ol melali- ye oloom- e mohandesi- ye daneshgah- e elmo sanat- e Iran, (۵): ۶۳-۷۳.